



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN:2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2

Managing the Security Environment Based on the Views and Opinions of Imam Khamenei

Dr. Mohsen Pourgholi*

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.214344>

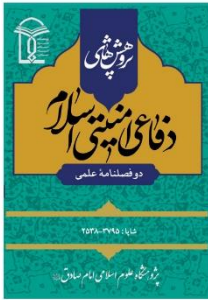
Received: 3/6/2024 - Accepted: 6/20/2024

(90-117)

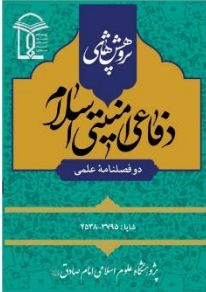
Abstract

Political units, in pursuing their national security interests beyond their territorial boundaries, always pursue specific and defined fundamental ideals and goals. This process requires the purposeful and lasting entry and presence of actors in the environment beyond geographical borders, which is referred to as the "security environment." The Islamic Republic of Iran, in pursuing its national security interests and realizing the fundamental goals and universal ideals of the Islamic Revolution, is also obliged to have a purposeful presence in the security environment. Entering the security environment and remaining in it requires a management that is essentially different from the way the national environment is managed. Managing the security environment, in addition to environmental data, also requires other elements and components. The main goal of this research is to design and present an indigenous model for understanding and managing the security environment. To achieve the goal of this research, the grounded theory method has been used, and in the process of data collection, scientific documents and records, as well as library and survey methods, have been used. The findings and achievements of this research are the design of an indigenous model based on the views and opinions of Imam Khamenei (may his shadow endure) in the field of understanding and managing the security environment.

Keywords: Imam Khamenei, Security Environment Management, National Security in Islam, Strategic Management, Security Environmental Studies.



*. Assistant Professor, Department of Political Science, Shahid Mahallati University, Qom, Iran.
mohsenpourgholi@gmail.com



مدیریت محیط امنیتی بر اساس آرا و نظرات امام خامنه‌ای داماد

محسن پورقلی *

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.214344>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۰
(۹۰-۱۱۷)

چکیده

واحد‌های سیاسی، برای تعقیب منافع امنیت ملی در ورای قلمرو سرزمینی خود، همواره آرمان‌ها و اهداف اساسی مشخص و معینی را تعقیب می‌کنند. این فرایند، مستلزم ورود و حضور هدفمند و ماندگار بازیگران در محیط ماورای مرزهای جغرافیایی است که از آن تحت عنوان «محیط امنیتی» یاد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در تعقیب منافع امنیت ملی و تحقق بخشیدن به اهداف اساسی و آرمان‌های جهان‌شمول انقلاب اسلامی، ملزم به حضور هدفمند در محیط امنیتی است. ورود به محیط امنیتی و ماندگاری در آن، مستلزم مدیریتی است که به لحاظ ماهوی با نحوه مدیریت محیط ملی متفاوت می‌باشد. مدیریت محیط امنیتی، افزون بر داده‌های محیط‌شناسی، به عناصر و مؤلفه‌های دیگری نیز نیازمند است. هدف اصلی این پژوهش، طراحی و ارائه الگوی بومی شناخت و مدیریت محیط امنیتی است. برای دستیابی به هدف این پژوهش، روش نظریه‌پردازی مبنایی به کار گرفته شده و در فرایند گردآوری اطلاعات، از اسناد و مدارک علمی و از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. یافته‌ها و دستاورد این پژوهش، طراحی الگویی بومی مبتنی بر آرا و نظرات حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» در حوزه شناخت و مدیریت محیط امنیتی است.

واژگان کلیدی: امام خامنه‌ای، مدیریت محیط امنیتی، امنیت ملی در اسلام، مدیریت راهبردی، محیط‌شناسی امنیتی.

مقدمه

امنیت ملی، نیاز اساسی هر ملت و تأمین آن به‌عنوان اصلی‌ترین وظیفه دولت در قلمرو حاکمیتی، مفهومی محیط‌مدار است که پیاده‌سازی و پایدار کردن آن مستلزم شناخت و مدیریت محیط ملی و محیط راهبردی است و بدون آن، منافع امنیت ملی به اهداف خود نائل نخواهد شد (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۲). واحدهای سیاسی در تعقیب و نیل به آرمان‌ها، تعیین و تحصیل منافع امنیت ملی، و تعقیب اهداف و اولویت‌های خود، قدرت ملی را بسیج می‌کنند و آسیب‌ها، چالش‌ها و تهدیدات در محیط هدف را مدیریت می‌نمایند (کرمی، ۱۳۸۰: ۶۷-۷۰). انجام این امور در زمره حیاتی‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل یک کشور قرار دارد، که «سند راهبرد امنیت ملی» دارای چنین کارکردی است. به‌دلیل این مزیت است که بیشتر واحدهای سیاسی دنیا مدیریت منافع امنیتی خود را در چهارچوب سند راهبرد امنیت ملی دنبال می‌کنند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۰). پیاده‌سازی سیاست‌های راهبردی و دستیابی به هدف‌های استراتژیک در محیط فراملی به‌دلیل برخی ویژگی‌های محیط استراتژیک، مانند آتارشیک بودن، ابهام، عدم اطمینان، پیچیدگی مضاعف، سیال بودن تغییرات پرشتاب و...، مستلزم الگوی مدیریت خاصی است که از آن باعنوان «مدیریت محیط راهبردی» نام برده می‌شود. این نوشتار درصدد تدوین و ارائه الگوی مدیریت محیط امنیتی بر مبنای آرا و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» است.

بیان مسئله: به‌دلیل طراحی نشدن الگوی علمی و تخصصی در حوزه شناخت و مدیریت محیط امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، چیستی مبانی، اصول بنیادین، ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات اساسی در تشخیص محیط امنیتی و نحوه مدیریت آن، در بطن ابهام مانده است که در فرایند طراحی الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی، این موارد می‌باید مورد شناسایی و در تدوین الگو به‌عنوان کار پایه مورد ملاحظه قرار گیرند. ضعف نگرش بومی به منافع امنیت ملی و برخی بی‌توجهی‌ها به سیاست‌های ابلاغی در حوزه دفاعی - امنیتی نیز در شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح برخی از کارگزاران اجرایی، سبب بروز مشکلات عدیده‌ای در ادراک و کنش‌های معطوف به منافع، اهداف و اولویت‌های امنیت ملی شده است. این مشکلات در حوزه شناخت آسیب‌ها، چالش‌ها،

تهدیدات و فرصت‌ها، در ادراک بازیگران عرصه محیط ملی نیز تأثیر منفی خود را نشان می‌دهد (حسینی تاش، ۱۳۸۷: ۲۳۱-۲۴۰).

هرچند اصول بنیادین و چهارچوب‌های طراحی الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی، در منابع بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران نهفته است، اما کوشش علمی قابل قبولی برای استخراج، تدوین و تبدیل آنها به نظامواره‌ای کارآمد در تشخیص و قابلیت جست‌وجوی منافع امنیت ملی در محیط هدف، مشاهده نمی‌شود. این مسئله افزون‌بر اینکه ضریب خطا را در تشخیص و تصمیم‌گیری مدیران عالی‌رتبه در حوزه امنیت ملی افزایش داده، موجب تداوم فقر نظری در حوزه ادبیات بومی امنیت ملی نیز شده است.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی فعال، پویا و برخوردار از رسالت الهی و آرمان‌های جهان‌شمول، نیازمند تدوین الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی خود است تا در چهارچوب آن در سطوح ملی و فراملی به تعقیب منافع و اهداف امنیت ملی خود بپردازد و هم‌اکنون چنین الگویی به‌طور مدون وجود ندارد (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). فقدان الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی، موجب ضعف نگرش یکپارچه در شناخت و مدیریت محیط امنیتی شده است. از این رو مسئله اصلی این پژوهش، خلأ ناشی از وجود الگوی بومی و مدون شناخت و مدیریت محیط امنیتی در جمهوری اسلامی ایران است که این هم به سهم خود از موانع تدوین راهبرد امنیت ملی و تعقیب اهداف و منافع امنیت ملی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است.

اهمیت و ضرورت پژوهش پیش‌رو، در دو بُعد نظری و کاربردی قابل طرح است. اهمیت این پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد:

از بُعد نظری: الف) وجود الگوی بومی در محیط‌شناسی می‌تواند روش‌های تشخیص و ترسیم محیط امنیتی را با آموزه‌های اسلامی منطبق سازد؛ ب) الگوسازی بومی در شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به سهم خود موجب توسعه و تعمیق ادبیات علوم امنیتی می‌شود و در مسیر نهضت نرم‌افزاری و تولید علم در حوزه مطالعات امنیت ملی گامی مؤثر است؛ ج) وجود الگویی مدون و بومی، به شناخت و مدیریت محیط امنیتی و ادبیات آن، انسجام علمی، هویت بومی و جامعیت کافی می‌بخشد.

از بُعد کاربردی: الف) وجود الگویی غالب در حوزه شناخت و مدیریت محیط امنیتی، از لحاظ کارکردی می‌تواند میان نخبگان وفاق و انسجام ادراکی و رفتاری ایجاد کند. در این صورت، بسیاری از مشکلات از سر راه سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، اجرا و پیاده‌سازی راهبرد امنیت ملی برداشته خواهد شد و تشخیص و اجماع درباره منافع و اهداف امنیت ملی بیش از پیش سهل الوصول، اطمینان‌بخش و دست‌یافتنی خواهد بود؛ ب) دستیابی به الگوی بومی در تشخیص و مدیریت محیط امنیتی و تدوین راهبردهای امنیت ملی کشور، امری مهم و ضروری است؛ ج) با وجود الگوی مدون در شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، امکان تشخیص محیط امنیتی براساس مبانی دینی، منافع و اهداف امنیت ملی فراهم می‌گردد.

هدف اصلی این پژوهش، تدوین الگویی است که با استفاده از آن بتوان محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ترسیم کرد و در جهت انجام رسالت بسط و گسترش اسلام ناب محمدی و تحقق اهداف جهان‌شمول انقلاب اسلامی گام‌های عملی و مؤثری برداشت. بنابراین، تدوین و ارائه الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی این پژوهش است.

اهداف فرعی: الف) تبیین اصول و مبانی حاکم بر شناخت و مدیریت محیط امنیتی از نگاه منابع بنیادین انقلاب اسلامی (آرا و اندیشه‌های ولایت فقیه) ب) تبیین ابعاد و مؤلفه‌های اصلی و فرعی مؤثر در شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به الگوی بومی شناخت و مدیریت محیط ج) تعیین جایگاه هریک از مؤلفه‌های محیط امنیتی و ارتباطات هریک از آنها با دیگری در الگو د) تبیین الزامات حاکم بر شناخت و مدیریت محیط امنیتی در جمهوری اسلامی ایران.

پرسش‌های پژوهش: الف) الگوی مناسب شناخت و مدیریت محیط امنیتی در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ ب) اصول و مبانی حاکم بر شناخت و مدیریت محیط امنیتی از نگاه منابع بنیادین انقلاب اسلامی (ولایت فقیه) کدام‌اند؟ ج) ابعاد و مؤلفه‌های اصلی و فرعی مؤثر در زنجیره ترسیم محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و مدیریت آن کدام‌اند؟ د) جایگاه هریک از مؤلفه‌های محیط امنیتی در الگو کجاست و ارتباطات هریک از آنها

باهم چگونه ترسیم می‌شود؟ ه) چه الزاماتی بر شناخت و مدیریت محیط امنیتی در جمهوری اسلامی ایران حاکم است؟

۱. مفهوم‌شناسی

الگو: الگو تصویری است که از واقعیت‌ها و روابط موجود بین آنها گرفته شده و نشانگر متغیرهای موجود، نحوه ارتباط آنها و نتایج حاصل از کنش آنهاست. به عبارت دیگر، الگوها نمونه ساده‌شده از واقعیت‌هایند که کمک می‌کنند تا هنگام طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری، تمام عوامل و متغیرهای مؤثر و روابط آنها مورد توجه قرار گیرد (دانش آشتیانی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۵).

محیط: مفهومی است فضا و مکان پایه، دارای ابعاد عینی و مجازی، تابع تفسیر و تحلیل پدیده‌های مبتنی بر سه عنصر انسان، نیاز و نهاد، که در قالب یک گستره جغرافیائی چندبُعدی قابل تعریف، تحدید و تفسیر است (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۵).

محیط امنیتی: محیط امنیتی به محیط جغرافیایی اطلاق می‌شود که در آن، دو معیار «وابستگی متقابل امنیتی» و «الگوهای دوستی و دشمنی»، همواره با قوت موجود باشد. در محیط امنیتی تعیین مرزهای محیط امنیتی، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا مرزهای محیط امنیتی، سرحدات شناسایی و تعیین اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی را مشخص می‌کند (عبدالله‌خانی: ۱۳۸۶، ۳۳ - ۳۴).

امنیت ملی: امنیت ملی عبارت است از ایجاد شرایط مساعد ملی و بین‌المللی، به منظور حفظ یا بسط ارزش‌های حیاتی ملی (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۱).

الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی: سامانه‌ای نظری و بومی است که در آن، اصول، ابعاد، مؤلفه‌ها، الزامات و فرایندها حاکم بر شناخت محیط امنیتی به روشنی تعریف شده و با استفاده از آن، امکان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، سازمان‌دهی، هماهنگی و نظارت بر کلیه روندهای حاکم بر تعقیب منافع ملی در محیط امنیتی و روابط بین‌نهادی مسئول در این حوزه، شفاف و قابل ترسیم است و به‌عنوان الگویی مؤثر در شناخت محیط امنیتی، دارای کاربرد می‌باشد.

۲. ادبیات و مبانی نظری

شناخت مفهومی محیط، می‌تواند نخستین گام در جهت شناخت و مدیریت محیط امنیتی باشد. «محیط، مفهومی فضا و مکان پایه است که دارای ابعاد عینی و مجازی است و تابع تفسیر و تحلیل مبتنی بر سه عنصر محوری انسان، نهاد و نیاز است که در قالب یک گستره چندبعدی قابل تعریف، تحدید و تفسیر است». حسن بیگی در تبیین چیستی محیط گفته است: مقصود از محیط، همه پدیده‌های خارجی است که به صورت بالقوه یا واقعی بر جامعه مورد تحقیق اثر می‌گذارند. محیط مجموعه عواملی است که اثر تعیین‌کننده بر هدف سیستم دارد؛ ولی سیستم بر آن کنترل چندانی ندارد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

در باب پیشینه شناخت و مدیریت محیط، بررسی آثار و منابع موجود نشان می‌دهد، چیستی محیط و تأثیر آن بر حیات انسان، از جمله مسائلی است که نخستین کوشش‌های فکری بشر را به خود معطوف داشته است. کارکردهای مختلف محیط، به‌ویژه تأثیر محیط بر امنیت و بقای انسان، از ادوار کهن ذهن اندیشمندان و متفکران را به خود مشغول داشته است. هرودت، مورخ یونانی که حدود قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست، تأثیر محیط (جغرافیا) را بر سیاست بر اثر مکتوب خود به نام تاریخ نبردهای یونانیان و ایرانیان بررسی کرد (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۶: ۱۶). بقراط نیز در قرن پنجم پیش از میلاد در رساله خود، به نام آب‌وهوا و مکان به مطالعه تأثیر محیط (در معنای جغرافیایی آن) بر حیات سیاسی انسان پرداخت. این رویکرد و توجه به تأثیرگذاری محیط در زندگی بشر، در مطالعات ارسطو، افلاطون، فارابی، ابن‌خلدون، ابوریحان بیرونی، ژان‌بدن، منتسکیو و بسیاری دیگر از اندیشمندان و فلاسفه سیاسی مورد توجه بوده و در قرن بیستم میلادی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، از جمله جغرافیا، مدیریت راهبردی، فلسفه سیاسی، علوم نظامی، ژئوپلیتیک، مطالعات امنیتی و دیگر شعب و شاخه‌های علوم اجتماعی به طور جدی مطرح بوده است (ر.ک. شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۳-۵۹). بررسی آثار مربوط به مطالعات محیطی در دوره‌های گذشته نشان می‌دهد، در ادراک و برداشت اندیشمندان از کارکرد محیط، جغرافیای محوری و مکان‌پایگی، بر دیگر جنبه‌های آن غلبه داشته است.

در دهه‌های پایانی قرن بیستم میلادی، وقوع تحولات سیاسی - امنیتی در سطوح ملی،

منطقه ای و محیط جهانی از یک سو، پیشرفت شتابان فناوری‌های نوین ارتباطات از سوی دیگر، توجه نظریه‌پردازان را به مطالعه و تبیین تأثیر متغیرهای غیرفیزیکی محیط به‌ویژه فضای مجازی بر امنیت معطوف کرد. با وجود این، حجم آثار مربوط به کارکردهای فرهنگی، سیاسی، امنیتی در مقایسه با مطالعات زیست محیطی و توجه به متغیرهای انضمامی محیط، بسیار اندک و ناچیز است و می‌توان گفت که در این حوزه، فقر ادبیاتی و مطالعاتی وجود دارد. تکوین ژئوپلیتیک به عنوان یکی از شاخه‌های علم جغرافیا، عامل دیگری بود که فرصتی برای شناخت جنبه‌های انتزاعی و غیرفیزیکی محیط و کارکردهای آن در گستره مطالعات علوم اجتماعی را فراهم کرد. همچنین پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در واپسین دهه‌های قرن بیستم سبب شد تا متغیرهای نرم و معنایی محیط در قالب مفاهیم نسبتاً جدیدی، مانند قدرت نرم، تهدیدات نرم، نرم‌افزارگرایی و سخت‌افزارگرایی، در کانون توجهات دانش‌پژوهان قرار گیرد.

مفهوم محیط امنیتی، از دانش‌واژه‌های نوظهوری است که در دهه‌های اخیر جای خود را در گستره مطالعات شاخه‌های علوم اجتماعی باز کرد. محیط امنیتی، گستره‌ای از جغرافیاست که صحنه کنش و واکنش بازیگران سیاسی، به‌ویژه دولت‌ها، در قالب همکاری، رقابت و رویارویی است. در این صحنه، که خارج از قلمرو حاکمیتی و مرزهای سیاسی - جغرافیایی دولت‌های بازیگر قرار دارد، تعقیب منافع امنیت ملی و موضوع عمق دفاع راهبردی، از محرک‌های عمده ورود و حضور بازیگران به محیط امنیتی محسوب می‌گردد. عبدالله‌خانی بدون نادیده گرفتن جنبه‌های مجازی و انتزاعی محیط و با در نظر گرفتن مؤلفه‌ها و متغیرهای عینی محیط، ضمن اشاره به جنبه جغرافیایی محیط امنیتی، دو معیار در محیط امنیتی را مطرح می‌کند که شامل وابستگی متقابل امنیتی و الگوهای دوستی و دشمنی است. وی همچنین به اهمیت تعیین مرزهای محیط امنیتی تأکید دارد؛ زیرا به گمان وی، مرزهای محیط امنیتی، سرحدات شناسایی و تعیین اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی را مشخص می‌کند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۳ - ۳۴).

در پاسخ به این پرسش کلیدی که چگونه می‌توان محیط امنیتی را شناخت تا به‌گونه‌ای مطلوب آن را مدیریت کنیم، ملاحظه ادبیات موجود این جمع بندی را به دست می‌دهد که

محیط‌شناسی امنیتی به معنای عام کلمه، برآیندی از نیل به شناخت و تحلیل محیط در محورهای زیر می‌باشد: الف) روش‌شناسی امنیت ب) مدل امنیتی یا نظریه غالب امنیت در یک محیط مشخص، مانند یک کشور یا یک منطقه. یکی از شیوه‌های سودمند و مؤثر برای نیل به شناخت محیط امنیتی، تحلیل نظریه امنیت به عنوان خرده‌نظریه در یک نظام سیاسی است (ر.ک. ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۲۳۸-۲۴۶). از طریق تبیین مدل امنیتی در یک نظام سیاسی می‌توان به علل و اسباب و چرایی و چیستی مواضع و رفتار یک واحد سیاسی در محیط امنیتی پی برد (چگونگی سیاست‌گذاری در یک نظام سیاسی، ازجمله شناسایی فرایند سیاست‌گذاری امنیت ملی د) الگوی تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی.

نظریه‌های مطرح در محیط‌شناسی امنیتی: در گستره آثار مربوط به محیط‌شناسی امنیتی، به لحاظ نوپا بودن این حوزه، نظریه پردازی، مرحله تکوینی خود را تجربه می‌کند و در آغاز راه خود قرار دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت: در مقایسه با دیگر حوزه‌های مطالعاتی که از قدمت و سابقه طولانی‌تری برخوردارند، نظریه‌های معدودی در این باب مطرح و ارائه شده است.

۱. رویکرد نظامواره‌ای محیط امنیتی: شپینگ تانگ برای نخستین بار در نقد رویکردهای نظری موجود نسبت به موضوع محیط امنیتی، نظریه «نظامواره‌ای محیط امنیتی» را مطرح کرد. وی محیط را نظامواره‌ای در نظر گرفت که براساس آن، راه درک درست محیط امنیتی و تنظیم راهبرد، نه یک راهبرد قراردادی با شناسایی تهدیدها، بلکه به منزله یک نظامواره در بردارنده موضوعاتی فراتر از فرصت‌ها و تهدیدها فراهم می‌گردد (Tang, 2004:1). از نظر وی مؤلفه‌های اصلی محیط امنیتی شامل موانع جغرافیایی، تعاملات واحدهای سیاسی در یک اکوسیستم طبیعی - سیاسی، ساختار نظام بین‌الملل و فناوری نظامی است.

۲. رویکرد ارگانیک (اندامواره) به محیط امنیتی: این نگرش از سوی کسانی مانند فردریک راتزل، در مقابل رویکرد ایستاپنداری محیط مطرح گردید. وی به عنوان نظریه پرداز ژئوپلیتیک، بر این ایده پای فشرد که واحدهای سیاسی برخلاف تصور غالب، ایستا نیستند؛ بلکه همانند موجودات زنده در بستر زمان رشد می‌کنند؛ محدودتر می‌شوند یا دستخوش تغییرات ارگانیک می‌گردند (عزتی، ۱۳۷۱: ۸). ژئوپلیتیسین‌ها در این چهارچوب ضمن

تأکید بر ظهور و افول موضوعات مختلف، مانند جنگ نرم، امنیت نرم، جنگ سایبری و...، به طبقه محیط امنیتی پرداخته‌اند؛ که در این زمینه می‌توان به گونه‌های مختلفی، مانند «محیط امنیتی در حال تکوین»، «محیط امنیتی تثبیت یافته»، «محیط امنیتی در حال تغییر فرم» و «محیط غیرامنیتی شده» اشاره کرد.

۳. نگرش چندعاملی به محیط امنیتی: در رویکرد تک‌عاملی، محیط امنیتی به مثابه پدیده‌های تک‌ساحتی و بسیط انگاشته می‌شود. برای مثال، در رویکرد اثبات‌گرایانه، محیط پدیده‌ای منحصرراً فراهم آمده از متغیرهای فیزیکی است و از این رو در فرایند محیط‌پژوهی، اعتبار و جایگاه چندان بی‌اعتباری به متغیرهای کیفی محیط قائل نمی‌شوند. طبق نگرش چندعاملی، محیط امنیتی ماهیتی ترکیبی دارد و یک عامل نمی‌تواند به تنهایی نقش تعیین‌کنندگی در کارکرد آن داشته باشد. بنابراین، بر شناسایی، توضیح و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و نوع ارتباطات آنها در لایه‌ها و شقوق مختلف محیط تأکید می‌شود. طبق این دیدگاه، از خصایص محیط‌های امنیتی، تکرر، تنوع، درهم‌تنیدگی و پیچیدگی متغیرهای تأثیرگذار است (دویچ، ۱۳۷۵: ۲۱۳).

۴. رویکرد رفتارگرایی در محیط‌شناسی امنیتی: در این رویکرد، بر عوامل ذهنی-ادراکی در شناخت محیط امنیتی تأکید می‌شود. در چهارچوب نظری رفتارگرایی اسپرووات‌ها، پاسخ آگاهانه افراد به محیط، از مجرای ادراکات آنها صورت می‌گیرد. تصوّرات نادرست از محیط، بر شکل‌گیری روحيات، تعیین اولویت‌ها، تصمیمات و اقدامات انسان تأثیر دارد. در این رویکرد، میان محیط واقعی و محیط ادراکی تفاوت وجود دارد. دریافت‌های ذهنی افراد از محیط، باید یکی از متغیرهای تحلیل محیطی در نظر گرفته شود. نگرش رفتارگرایی به مثابه چهارچوب تحلیل محیطی، به سه پدیده اشاره دارد که عبارت‌اند از: محیط ادراکی یا محیط روانی؛ کنش‌ها و اعمال افراد و گروه‌ها؛ و بالاخره، نتایج و پیامدهای این اعمال. در رویکرد رفتارگرایی، سه مفهوم اساسی برای تحلیل وجود دارد که شامل محیط، واحدهای محصور در محیط و رابطه این واحدها با یکدیگر می‌باشند (Sprout, 1965: 3-7).

۵. رهیافت واقع‌گرایان در شناخت و تحلیل محیط امنیتی: طبق رهیافت واگرایی، واحدهای سیاسی در چهارچوب نظام بین‌المللی حاکم عمل می‌کنند. شرایط، مقتضیات و

ترتیبات حاکم بر محیط بین‌المللی، بر بازیگران دیکته و تحمیل می‌شود. براین اساس، ترتیبات و نظام بین‌الملل، عامل اصلی تکوین محیط امنیتی به‌شمار می‌آید. از ویژگی‌های این رویکرد، نگرش چندعاملی و درنظر داشتن متغیرهای متعدّد، آشکار و پنهان و ریز و درشت در تحلیل محیط امنیتی است که به مثابه عوامل تأثیرگذار درنظر گرفته می‌شوند. به‌باور هالستی، اطلاعات دریافتی از محیط، سازنده برداشت و ادراکات سیاست‌گذاران در محیط امنیتی است و در تفسیر اطلاعات نیز ایستارها، ارزش‌ها، دکترین‌ها و تشبیهات، نقش مؤثری دارند (هالستی، ۱۳۸۸: ۵۶۱-۵۶۰). هالستی در تحلیل عوامل تأثیرگذار بر محیط امنیتی، به دو دسته عمده از متغیرها اشاره می‌کند. دسته اول متغیرهای مربوط به محیط داخلی کشورهاست که شامل ساختار داخلی کشورها، نیازهای اجتماعی، ویژگی‌های ملی، بی‌ثباتی داخلی، نوع رژیم، اندازه کشور، سطح توسعه و افکار عمومی است؛ دسته دوم، شامل متغیرهای محیط خارجی تأثیرگذار بر محیط امنیتی است. در این چهارچوب، متغیرهایی مانند تأثیر ساختار نظام بین‌الملل و گرایش‌های موجود در آن و نیز تأثیر ارزش‌های سیستمی بر رفتار بازیگران در محیط امنیتی، مطرح می‌باشند (همان: ۶۱۱-۶۱۲).

۶. شناخت محیط امنیتی در رویکرد اسلامی: در برخی از آثار امنیت پژوهان مسلمان، از امنیت به‌عنوان فوری‌ترین، ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان در سطوح مختلف توصیف شده است (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۶). در آیات قرآن کریم اشارات روشنی به امنیت صورت گرفته است و این اشارات در موارد متعدّدی به‌چشم می‌خورند. بااینکه منابع اسلامی دربردارنده مباحث گسترده، عمیق و غنی در باب امنیت است، اما امنیت پژوهی در این حوزه، در آغاز راه خود قرار دارد.

در آثار امام خمینی علیه السلام مباحثی مانند فلسفه امنیت، فقه امنیت، اخلاق امنیت، نگاه عرفانی به امنیت، مدیریت مسائل امنیتی و مباحث امنیتی در قرآن پرداخته شده است اما در هیچ یک از این آثار فصل مستقلی به امنیت اختصاص نیافته است. با مروری بر مکتوبات و گفتارهای مقام معظم رهبری دام‌ظله نیز می‌توان دریافت که امنیت و مسائل مرتبط با آن در افکار و اندیشه‌های ایشان از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است؛ اما با وجود این،

تلاش‌های کافی برای استخراج و مدون کردن آرا و اندیشه‌های ایشان در باب امنیت، صورت نگرفته است. کوشش‌های فکری در استخراج و تبیین الگوی امنیتی اسلام تحت عنوان «مکتب امنیتی متعالیه»، در ابتدای راه خود قرار دارد و هنوز ابعاد مختلف این الگو به طور جامع تبیین و ارائه نشده است (همان: ۵-۲۷). در گستره آثار و مباحث مربوط به امنیت در رویکرد اسلامی، از «محیط امنیتی» به عنوان «دار الامن اسلام» نام برده شده است. این مفهوم در شبکه مفهومی جامع مطالعات فقهی امنیت جایگاه دارد و مورد توجه است. باینکه این موضوع و مباحث مربوط به آن از پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام برخوردارند، اما بازشناسی و بازسازی و مدون کردن آن متناسب با شرایط، نیازها و مقتضیات امروز، ضروری است.

در علوم اسلامی زمینه‌های مطالعات «دار الامن اسلام» توسط فیلسوفان، فقیهان، متکلمان و مفسران به طور گسترده‌ای فراهم آمده است که می‌توان در لابه‌لای آثار عالمان دینی، به زمینه‌های فلسفی، کلامی، اخلاقی و تفسیری دار الامن اسلام مراجعه کرد. آثار مربوط به فارابی، ابن‌سینا، ابن‌عامری، ملاصدرا، غزالی، علامه سیدمحمد حسین طباطبایی، شهید مطهری، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری دام‌ظله در بردارنده مباحث مربوط به محیط امنیتی است؛ اما هنوز این آثار به صورت مدون و مستقل در نیامده‌اند. در میان این آثار، گفتارها و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بردارنده گزاره‌ها و مضامین مرتبط با محیط امنیتی است که به روش استنباطی قابل استخراج است. این محورها شامل اهداف و نیازهای مورد تعقیب در محیط امنیتی، اصول کلیدی و مبنایی حاکم بر محیط امنیتی، سازه‌ها و کارکردهای مورد انتظار در محیط امنیتی، مباحث مربوط به مدیریت راهبردی محیط امنیتی (در بردارنده ویژگی‌ها و الزامات ترسیم چشم انداز، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی راهبردها) و تبیین منطق رفتار و کنش مناسب در محیط امنیتی است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که آثار مکتوب و گفتارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بردارنده مباحث جامع امنیتی است که در آن افزون بر ماهیت‌شناسی امنیت از دیدگاه اسلامی، چستی ماهیت امنیت ملی و مبانی آن، مرجع امنیت در رویکرد اسلامی، و

محورهای اساسی مربوط به دار الامن اسلام قابل کشف و استنباط است. همچنین زمینه‌های مطالعات دار الامن اسلام (محیط امنیتی از منظر عالمان مسلمان)، از پشتوانه‌های غنی فلسفی، کلامی، اخلاقی و فقهی برخوردار است که برای دستیابی به این مباحث، به کوشش فکری و پژوهشی‌های عمیق و گسترده‌ای نیاز است.

۳. روش‌شناسی

پژوهش پیش‌رو نوعی الگویابی است. بنابراین، از نوع توسعه‌ای و کاربردی، و از نظر روش، آمیخته‌ای اکتشافی است (ر.ک. خلیلی شورینی، ۱۳۸۹: ۶۸-۷۴). روش و ابزار گردآوری اطلاعات، در مرحله مطالعه کتابخانه‌ای، روش اسناد و مدارک علمی با ابزار فیش‌نویسی است و در مرحله پیمایشی، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، از دو بخش اسنادی (شامل اندیشه‌های امام خامنه‌ای «عجله») و خبرگان (شامل نخبگان و خبرگان علمی و اجرایی در سطح امنیت ملی کشور) تشکیل شده است. حجم نمونه سی نفر است که استفاده از روش نمونه‌گیری «هدفمند غیرنسبتی در دسترس»، از میان خبرگان و نخبگانی است که دست کم دارای تجربه، علم و مهارت امنیتی با سابقه بیش از پانزده سال مدیریت در بخش‌های امنیت داخلی و امنیت بین‌الملل و برخی ویژگی‌های دیگر می‌باشند. برای اطمینان از روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها، از روش «روایی محتوا» استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با مراجعه به آرا و اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» از روش نظریه‌پردازی مبنایی استفاده شد. همچنین، برای تحلیل داده‌های استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، نرم‌افزار spss به کار گرفته شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

چگونگی اجرای کدگذاری و اعتبارسنجی آنها: ابتدا با مبنا قرار دادن مباحث تخصصی روش‌شناسی محیط امنیتی، تعدادی کلیدواژه به‌عنوان محورهای جست‌وجو در بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای «عجله» تعیین شد؛ سپس با استفاده از نرم‌افزار مخصوص، جست‌وجو در بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی آغاز شد. دامنه جست‌وجو دربرگیرنده مجموعه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ بود. در فرایند این

جست‌وجو، عبارات و بندهایی که با موضوع این پژوهش به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط بودند، شناسایی و در یک مجموعه گردآوری شدند. در این مرحله، تعداد ۳۸۵ بند حاوی گزاره‌های مرتبط با موضوع امنیت، امنیت ملی، محیط امنیتی و دیگر مفاهیم مرتبط با آنها گردآوری شد. متن به‌دست‌آمده بارها و بارها بازخوانی گردید. در دستیابی به این بندها، از دوروش «لغت‌کاوی» و «معناکاوی» استفاده شد و به‌این‌ترتیب، نمونه‌برداری نظری انجام گردید. پس از پایان یافتن مرحله گردآوری داده‌ها، اطلاعات گردآوری شده، سازمان‌دهی و کدگذاری شدند. متن به‌دست‌آمده چندین بار با دقت بازخوانی و مرور شد؛ سپس به‌صورت «سطر به سطر» و «بند به بند» دوباره بررسی گردید. دستاورد این فرایند، اختصاص برچسب‌ها به جملات و بندهای بررسی شده بود که آن را «مفهوم‌سازی» می‌نامند. در این مرحله برای هر مفهومی، عددی به عنوان شناسه، اختصاص یافت و از طریق این شناسه ربط معنایی مفاهیم، مقولات و مضامین به منبعی که از آن استخراج شده بودند، مشخص گردید.

در مرحله «کدگذاری باز» تعداد ۱۸۶ مفهوم به‌دست آمد و در مرحله دوم، کدگذاری محوری انجام شد که طی آن، ۳۶ مقوله به‌دست آمد. با تعیین حوزه‌های کارکرد مقولات، مقدمات اعتبارسنجی مفاهیم و مقولات و سنجش میزان ارتباط آنها باهم فراهم شد. عمل اعتبارسنجی، با طراحی، توزیع، گردآوری و استخراج داده‌ها از پرسش‌نامه شماره ۱ انجام گردید و با استفاده از نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل آماری به‌عمل آمد. براساس نتایج حاصل از تحلیل آماری داده‌ها، در این مرحله، اعتبار و روایی ۳۶ مقوله توسط خبرگان پژوهش تأیید شد. در خصوص ارتباط و عملکرد مقوله‌ها با شش حوزه عملکردی محیط امنیتی برای کسب بالاترین امتیاز یعنی ۹۳/۳ و پایین‌ترین امتیاز قابل قبول یعنی ۵۸/۶ درصد، به‌عنوان عملکرد مثبت ارزیابی شد و به تأیید خبرگان نمونه آماری پژوهش رسید. با انجام کدگذاری مرحله سوم (کدگذاری انتخابی)، مقوله‌ها براساس الگوی پارادایمی روش نظریه‌مبنایی یکپارچه سازی شد که نتیجه حاصل از این مرحله، دستیابی به ۲۲ مضمون بود. این مضامین در قالب پرسش‌نامه شماره ۲ به خبرگان نمونه آماری تحقیق عرضه گردید که نتایج حاصل از تحلیل آماری داده‌های استخراج شده از پرسش‌نامه، حاکی از تأیید روایی آنهاست.

۵. یافته‌های پژوهش

پژوهش پیش‌رو به دنبال طراحی و ارائه الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی است. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش مبنی بر چیستی الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی، ابعاد، مؤلفه‌ها، الزامات و جایگاه هر یک از آنها در الگو، با بررسی متون و منابع مرتبط با موضوع تحقیق و مرور نظریه‌ها و رویکردهای مطرح در حوزه محیط‌شناسی امنیتی، براساس مبانی نظری و استفاده از روش نظریه‌مبنایی، با مراجعه به آرا و اندیشه‌های امام خامنه‌ای «ذم‌طلبه»، نتایج تحقیق به صورت الگویی مدون حاصل گردید. این الگو، فرایند شناخت و مدیریت محیط امنیتی را در شش بُعد که مشتمل بر ۲۲ مؤلفه است، دنبال می‌کند. هر یک از ابعاد، به صورت فرایندی و براساس منطق نظامواره (سیستم) جای‌گذاری شدند که به تشریح آن می‌پردازیم.

۵-۱. اهداف و نیازهای مورد تعقیب در محیط امنیتی (علل و ضرورت‌ها)

بر اساس الگوی کدگذاری بصری در نظریه‌مبنایی، این بُعد را می‌توان «شرایط علی» نامید. شرایط علی، تبیین‌کننده علت و ضرورت حضور بازیگر در محیط امنیتی است. در این بُعد، سه مؤلفه به تبیین محیط امنیتی اختصاص یافته است که عبارت‌اند از:

الف) حضور جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی، ناشی از ضرورت و اهمیت معطوف به حفظ کیان، پیشبرد کارآمدی مرجع امنیت، زیرساخت‌ها و دارایی‌های کلیدی است. به دلیل وجود پیوند میان مرجع امنیت، زیرساخت‌ها و دارایی‌های کلیدی با ارزش‌های اساسی و بقای یک ملت، این موضوع اولویت اول و کلیدی‌ترین هدف مورد تعقیب، عامل و محرک اصلی حضور فعال بازیگر در محیط امنیتی است؛

ب) معماری محیط امنیتی برپایه احکام اسلام، مطابق فطرت و قائم به عدالت بوده و واجد ویژگی پایدار بودن و ماندگاری است. این محیط، بستری برای شکوفایی حیات طیبه است که در آن نفوس طیبه پرورش می‌یابند؛

الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی



۵-۲. اصول کلیدی شناخت محیط امنیتی (زمینه‌ها و الزامات)

این بُعد که در بردارنده شش مؤلفه است، بر «شرایط زمینه‌ای» تمرکز دارد. شرایط زمینه‌ای یا «شرایط زمینه‌وند»، به تبیین امکانات و الزاماتی می‌پردازد که حضور بازیگر را در محیط امنیتی تسهیل، تقویت و بسط می‌دهد.

الف) مبانی فرانظری: مدیریت محیط امنیتی براساس سیاست‌ها و دکترین‌هایی صورت می‌گیرد که دارای ابتدای هستی‌شناسی توحیدی، معرفت‌شناسی ترکیبی و کاربردشناسی امنیتی منتج از اسلام ناب محمدی ﷺ است که به اختصار به هریک از آنها اشاره می‌شود:

یک- مبانی هستی‌شناسی: هستی‌شناسی حاکم بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی، مشتمل بر اصول مهم و زیربنایی، مانند توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت، کرامت و ارزش والای انسانی است.

دو- مبانی معرفت‌شناسی: موضوع اصلی معرفت‌شناسی، شناخت و درک انسان از عالم هستی است. معرفت‌شناسی، به موضوعاتی مانند مفهوم شناخت، امکان شناخت، ملاک و معیارهای شناخت (حقیقت) و... می‌پردازد. از نظر مکاتب و رویکردهای مختلف، ابزارهای شناخت متفاوت است. به طور کلی، منابع مهم شناخت، شامل حواس (تجربه)، عقل، فطرت و وحی است.

سه- کاربردشناسی امنیت: کاربردشناسی از منظر صاحب‌نظران حوزه امنیت، در مرتبه نخست به روش‌های فهم و درک پدیده‌ها توجه و تمرکز دارد. در مراتب بعدی در حوزه کاربردشناسی، مسائل مهمی مانند روش‌های انضمامی کردن مقولات انتزاعی برای شناخت و فهم درست بُعد معنایی (ساختار فضا) محیط قرار دارند. افزون بر آن، موضوع کاربردشناسی به روش‌های تعقیب اهداف و تحقق بخشیدن آنها نظر دارد. روش‌های تعقیب و تحقق اهداف از مسائل محوری در محیط‌شناسی امنیتی است. در این مورد می‌توان گفت، پیاده‌سازی دین اسلام و حاکمیت بخشیدن به آن در جهان از موضوعات کلیدی مطرح در محیط‌شناسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین عینی‌سازی امنیت، به گونه‌ای که در زندگی مردم محسوس باشد، از مسائل مهم و کلیدی در کاربردشناسی امنیت است. تفکیک اصول ثابت از روش‌ها و تاکتیک‌ها (امور متغیر) و تمیز آن دو، از مهم‌ترین

مسائل کاربردشناسی است. یکی دیگر از وجوه تمایز محیط‌شناسی امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر «روش‌هاست». در این الگو، برخلاف نظام‌های لیبرال - دموکراسی، مارکسیستی، لائیک و...، استفاده از هر روشی برای نیل به اهداف، مجاز نیست. اگرچه در محیط امنیتی، کسب و حفظ قدرت از موضوعات مهم شمرده می‌شود، اما در جمهوری اسلامی ایران کسب و حفظ قدرت، با وجود اهمیتی که دارد، از هر راه، وسیله و روشی مجاز نیست. از دیگر مسائل مطرح در کاربردشناسی، موضوع سرشت و ماهیت انسان است. در مکاتب امنیتی و نظام‌های سیاسی، رویکرد به سرشت و ماهیت انسان و نوع تفسیر و برداشتی که از طبیعت انسان به عمل می‌آید، در مسائلی مانند امنیت، تهدید، روش‌ها و ابزارهای مقابله با تهدیدات و مستقر کردن امنیت در محیط ملی و فراملی، نقش اساسی دارد. در الگوی محیط‌شناسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد به طبیعت انسان، الهام‌یافته از آموزه‌های اسلام است.

ب) اصل متناظر بودن اصول انقلاب اسلامی و اصول حاکم بر محیط امنیتی: دومین مؤلفه اصول کلیدی شناخت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اصل متناظر بودن اصول اساسی انقلاب اسلامی با اصول حاکم بر محیط امنیتی است. طبق این مؤلفه، اصول حاکم بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، همان اصول اساسی انقلاب اسلامی است که عامل هویت‌دهنده به محیط امنیتی و متمایزکننده آن با محیط امنیتی دیگر واحدهای سیاسی است. براین اساس، وجه مشخصه غالب محیط امنیتی جمهوری اسلامی، پایداری و مقاومت بر سر اصول اساسی می‌باشد.

پ) تفکیک‌ناپذیری عدالت و امنیت: تلازم عدالت و امنیت در منطق جمهوری اسلامی ایران، به همراه اصل مردم‌پایگی محیط امنیتی، موجب پایدارسازی امنیت می‌گردد. همچنین در محیط امنیتی، چگونگی تعریف و تعیین هدف‌ها و منافع و نحوه تعقیب و پیگیری آن، بر موازین و اصول بنیادین اسلام ناب محمدی ﷺ استوار است. نکته دیگر این که، نه تنها در مورد این اهداف پنهان‌کاری صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اعلام شفاف و صریح آن تأکید می‌شود.

۳-۵. سازه‌ها و کارکردهای مؤثر در محیط امنیتی (پدیده‌ها و مداخله‌گرها)

این بُعد از شناخت محیط امنیتی، به «پدیده و شرایط مداخله‌گر» نظر دارد. در این الگو، پدیده بیانگر نوع منافع مورد تعقیب در محیط امنیتی و نوع کنش‌های است که در پیگیری و دستیابی به منافع تعیین شده صورت می‌پذیرد. همچنین، عنصر پدیده به نوع مدیریت و کنترل در محیط امنیتی دلالت دارد. شرایط مداخله‌گر یا میانجی نیز به شرایطی دلالت دارد که در روند مدیریت محیط امنیتی موجب سرعت (پیشران‌ها) یا رکود (بازدارنده‌ها و موانع) می‌شود. مداخله‌گرها تحت شرایط خاصی، نقش مانع را ایفا می‌کنند و در سطوح مختلف محیط امنیتی قابل طبقه‌بندی‌اند. در مورد بازدارنده‌ها در سطح منطقه و محیط پیرامونی، می‌توان به نقش آمریکا و دولت‌های اروپایی به‌عنوان بازدارنده در محیط امنیتی اشاره کرد. همچنین، حضور و نفوذ ناامن‌ساز بازیگران فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و جغرافیای جهان اسلام، تشنج‌آفرینی و رفتارهای تنش‌ساز و بی‌ثبات‌کننده برخی دولت‌ها در منطقه، در این راستا قابل ارزیابی است. این بازیگران در ترتیبات و نظام امنیتی منطقه مداخله کرده، به ایران هراسی مبادرت می‌کنند. همچنین وابستگی نهادهای منطقه‌ای به قدرت‌های متنفذ و عدم استقلال آنها در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات مستقل، عادلانه و بی‌طرفانه، سکوت و سازشکاری خیانت‌آمیز برخی دولت‌ها و ملت‌های منطقه در مقابل مداخله‌ها و سلطه‌گری غربی‌ها، از عوامل بازدارنده‌اند. در این محیط می‌توان به طرح امنیتی مردم‌پایه و بومی و نیز ثروت سرشار منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی جهان اسلام و عامل جمعیت، به‌عنوان پیشران‌ها اشاره کرد.

برخی از مهم‌ترین بازدارنده‌ها در سطح بین‌المللی، شامل مواردی مانند، نظم ناعادلانه حاکم بر ترتیبات جهانی، آنارشسیم حاکم بر بستر محیط بین‌المللی، تقابل‌گرایی نظام سلطه جهانی با ارزش‌های الهی، مانع‌تراشی استکبار جهانی از تعقیب و تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، بی‌تفاوتی و عدم واکنش مؤثر دولت‌ها و سران کشورها در مقابل تجاوزات و تهدیدات نسبت به ملت‌های مستضعف و آزادی‌خواه، و مواضع خصمانه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

در محیط امنیتی، ایجاد ساختارها و تعریف کارکردهای مؤثر در محیط امنیتی، حائز

اهمیت و مورد تأکید است. نیروهای مسلح، وزارت خانه‌ها به ویژه وزارت امور خارجه، نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای تأمین استان‌ها، بسیج و سازمان‌های مردم‌نهاد، کارگزاران محیط امنیتی اند. تأمین منافع امنیت ملی و دستیابی به اهداف تعریف شده در محیط امنیتی، به کارکرد مؤثر این نهادها بستگی دارد. ویژگی لازم برای این نهادها شامل فراست، ابتکار عمل، پرکاری، دقت، اعتقاد راسخ به هدف، فعال بودن، وظیفه مداری و تکلیف محوری، تقید به اصول و آرمان‌ها، برخورداری از ایمان، اقتدار و هوشیاری است.

بیکربندی و ایجاد نهادهای کارگزار در محیط امنیتی، در سطوح منطقه و جهان اسلام امری الزامی است. این سازه‌ها شامل تشکیل نیروهای پاسدار صلح ویژه کشورهای مسلمان، تأسیس نهاد بین‌المللی اسلامی برای صیانت از امنیت مسلمانان، تأسیس مرکز بین‌الممالک اسلامی، تأسیس مرکز بین‌الدول اسلامی، ایجاد مجمع بین‌الملل اسلامی برای به هم پیوستن مسلمانان و یکپارچه‌سازی آنها، ایجاد نهادی برای تقویت مشترکات و هم‌گرایی در میان کشورهای مسلمان، تأسیس پارلمان بین‌المجالس کشورهای مسلمان، ایجاد بازار مشترک اسلامی، تأسیس دیوان داوری بین‌المللی اسلامی، عضویت دائمی نماینده ۵۷ کشور مسلمان در شورای امنیت سازمان ملل و تأسیس شورای بشر اسلامی است.

۵-۴. نحوه مدیریت محیط امنیتی (هدایت‌ها و راهبردها)

این بُعد در بردارنده چهار مؤلفه، است که عبارت‌اند از ترسیم چشم‌انداز، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی می‌باشد. ترسیم چشم‌انداز در افق محیط امنیتی به معنای ترسیم محیط مطلوب است که براساس آن، راهبرد تدوین می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها و اجرا برای پیاده‌سازی آن صورت می‌گیرد. محیط امنیتی مطلوب در چشم‌انداز آینده، با سنجه‌هایی مانند شکوفاسازی اندیشه‌ها و عقول بشر، فعال‌تر، خلاق‌تر و آفریننده‌تر شدن عقول بشر شناخته می‌شود. در این محیط امنیتی ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ افروز از راه اندازی جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی کوتاه‌اند؛ در سطح عالم، صلح و

امنیت کامل حاکم است. تمام تلاش‌ها در حوزه مدیریت راهبردی، برای ایجاد چنین محیطی فعال‌اند.

در مرحله سیاست‌گذاری، تحول‌گرایی و تکامل‌پذیری است. در این رویکرد، سیاست‌گذاری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، امری متطور و در حال تحول دائمی است که به معنای ملاحظه همه ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها درون کشور است. اساس سیاست‌گذاری، متناظر با دو پایه اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی «مردم‌پایگی» و «اسلام‌محوری» است. مبنا و اساس تصمیم‌گیری در مدیریت راهبردی محیط امنیتی، عقیده و تکلیف الهی است. تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مسائل گوناگون محیط امنیتی در سطوح منطقه و جهان، با نگاه جامع و کلان صورت می‌گیرد. در تصمیم‌گیری‌ها همه ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها در کشور مورد ملاحظه‌اند و معطوف به نیازهای امروز و فردای کشور می‌باشد. در تصمیم‌گیری، از الگوی بومی استفاده می‌شود و از کپی‌برداری از الگوهای تصمیم‌گیری دیگر کشورها پرهیز می‌شود. همچنین، در طراحی الگوهای تصمیم‌گیری بومی، به متغیرهایی مانند اعتقادات اسلامی، شرایط تاریخی، مقتضیات جغرافیایی، اوضاع سرزمینی، وضع ملت، آداب و رسوم، فرهنگ، میراث ملی و... به‌عنوان چهارچوب الگوسازی توجه می‌شود.

برنامه‌ریزی در محیط امنیتی، به صورت علمی، براساس اسناد بالادستی، اهداف و سیاست‌های کلان مورد تعقیب نظام جمهوری اسلامی ایران و منطبق بر ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی محیط هدف است و امکانات، موجودی‌ها، توانایی‌ها و زمینه‌های محیط هدف، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی نمی‌تواند تک‌بعدی و صرفاً متمرکز بر بُعد اقتصادی محیط باشد؛ بلکه چندبعدی بودن آن به معنای ملاحظه تمام ابعاد، لازم است. افزون بر آن، برنامه‌ریزی باید معطوف به عمل، مؤثر، فراگیر و جامع باشد. همچنین برنامه‌ریزی باید به طور مستمر بازنگری قرارگرفته و به روز شود. بنابراین، انطباق‌پذیری با تغییرات مداوم محیطی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، یک الزام است.

در بخش اجرای راهبردها و ارزیابی آنها، ملاک اصلی، اصول اساسی انقلاب اسلامی است. در این الگو، روش‌ها مهم‌اند. حکمت در روش‌های تعقیب و پیگیری اهداف، یک

اصل تغییرناپذیر است. خطوط اصلی در شیوه‌های رفتاری در همه ابعاد، نشئت یافته از اسلام اند و پابندی کامل به دین خدا و اعتقاد به خداوند، از مظاهر اصلی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. طبق منطق جمهوری اسلامی ایران، در تعقیب اهداف و پیاده‌سازی سیاست‌ها، ارزش‌ها باید در روش‌ها دیده شوند. تاکتیک‌ها و روش‌ها تابع قواعد اجتهادند و یافتن روش‌ها و تاکتیک‌های نو، به مجتهد متخصص سپرده می‌شود. روش‌های پیگیری اهداف و پیاده‌سازی سیاست‌ها در چهارچوب اصول، اهداف و ارزش‌ها، متناسب با تغییرات محیطی و اوضاع و احوال مختلف تغییر می‌یابند. در این الگو، اهداف غیرقابل تجدیدنظرند، و از ارزش‌ها نمی‌توان عدول کرد.

۵-۵. منطق رفتاری و کنش مناسب در محیط امنیتی (اجرا و کنش‌ها)

در این بُعد، شش مؤلفه، تبیین‌کننده منطق رفتاری در محیط امنیتی است که به طور خلاصه توضیح داده می‌شوند:

الف) مشروع‌سازی: خطوط و محورهای اصلی مشروع‌سازی، شامل این موارد می‌باشد: یک) اصرار بر اقامه دین و پیاده‌سازی احکام و دستورات اسلام (دو) هنجارها و قوانین سه) مردم‌پایگی چهار) اصل عدم اضرار به غیر؛ می‌باشند.

ب) عقلانی‌سازی: عقلانی‌سازی حضور، به معنای حضور مزیت‌ساز و برخوردار کردن محیط هدف از مزایا و امتیازاتی مانند دانش، فناوری، مهارت و به‌طورکلی توانمندسازی و تأمین نیازها در محیط هدف است. همچنین پذیرش قواعد منطقی حضور در ورای مرزها اقتضاء دارد که از طریق حضور فعال و سازنده و عضویت در نهادها و مجامع بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی، در تأمین و صیانت از حقوق و امنیت انسان‌ها اهتمام بورزیم.

پ) تحکیم و تقویت پایه‌های ماندگاری: تحکیم و تقویت پایه‌های ماندگاری در لایه‌های نرم، نیمه‌سخت و سخت محیط امنیتی، دربردارنده ابعاد مختلف محیطی، ساختار فضا (هنجارها و قوانین، فرهنگ، اجتماعی، سیاست، اقتصاد و...) است. واقعیت‌گرایی در این گزاره، ناظر بر درک درست واقعیت‌های محیطی، پرهیز از ذهنیت‌گرایی محض، در عین تقید به ارزش‌های اساسی است.

ت) کیفی سازی و چندجانبه سازی شیوه حضور: این بُعد، مشتمل بر سه مفهوم کلیدی «کیفی سازی حضور»، «چندجانبه سازی حضور» و «برخورداری از قابلیت تغییر کارکردها و فازها» در محیط امنیتی است.

یک- کیفی سازی حضور: کیفی سازی حضور به استفاده از روش‌ها و ابزارهای نرم در پیگیری اهداف و پیاده سازی سیاست‌ها اشاره دارد. نرم افزارگرایی به عنوان شیوه غالب در محیط امنیتی از مظاهر الگوی محیط‌شناسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که از مکتب امنیتی اسلام منتج می‌گردد. برخی از مهم‌ترین الزامات کیفی ساز حضور در محیط امنیتی، شامل موارد زیر می‌باشد:

اول) پیگیری و در اولویت قرار دادن پیاده سازی تعالیم اسلام با در نظر داشتن مقتضیات آن و معماری محیط امنیتی برپایه معنویت، اخلاق، کرامت، فضیلت و محبت؛
دوم) مدیریت ادراک و احساس ملت‌ها در شناخت چیستی و ماهیت تهدیدات و فرصت‌ها؛

سوم) استفاده از بیان صحیح حقایق به ملت‌ها؛

چهارم) تبیین روان و آسان تعالیم اسلام به مردم؛

پنجم) بسیج افکار به عنوان شیوه غالب رفتاری در محیط امنیتی هدف؛

ششم) تأمین امنیت حتی برای فاسق، کافر و تأمین امنیت مخالفان (غیر محارب) نظام؛
هفتم) برخورداری از قدرت معنوی و نرم به عنوان پشتوانه کیفی سازی حضور در محیط امنیتی؛

هشتم) حضور در محیط امنیتی، اگر با استفاده از ابزارها و روش‌های نرم صورت پذیرد، به کیفی سازی حضور که سبب نهادمندی، پایداری و دوام در حضور می‌گردد، خواهد انجامید؛

نهم) عینی سازی امنیت اسلامی و محسوس کردن آن در حیات جمعی محیط هدف؛

دهم) ترسیم چشم‌انداز محیط امنیتی در افق آینده؛

یازدهم) تمرکز بر نقاط مرجع مشترک و برجسته سازی آن، مانند دین مشترک، مذهب مشترک، زبان، آداب و رسوم، سبک زندگی، ریشه تاریخی، تمدن و فرهنگ مشترک، علایق و

منافع اقتصادی مشترک، منافع امنیتی مشترک، اشتراک قومی و نژادی، مجاورت سرزمینی، آزادی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، کرامت انسان و مانند آن؛
دوازدهم) الگوسازی رفتاری و اسوه‌پروری به‌عنوان الزامات کیفی‌سازی حضور در محیط امنیتی؛

سیزدهم) ماهیت منافع و علایق مورد تعقیب بازیگران در محیط امنیتی می‌تواند یکی دیگر از عوامل مؤثر کیفی‌سازی حضور در محیط امنیتی باشد. همچنین، وجود منافع، علایق و اهداف مشترک چندجانبه و طرفینی بین چند بازیگر، در کیفی‌سازی و در نتیجه در پایدارسازی حضور و ماندگاری در محیط امنیتی مؤثر است؛
چهاردهم) گفتمان‌سازی؛ شیوه غالب و الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی است.

دو - چندجانبه‌سازی شیوه حضور در محیط امنیتی: چندجانبه‌سازی شیوه حضور به معنای توجه بازیگر به ابعاد و لایه‌های مختلف محیط امنیتی است. تنوع فعالیت بازیگر در محیط امنیتی و پرداختن به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، علمی - فناوری، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، دفاعی و... سبب چندجانبه‌سازی حضور می‌گردد. برای چندجانبه‌سازی در محیط امنیتی، محورهای ذیل می‌تواند مؤثر باشد:

اول) تعقیب امنیت همه‌جانبه در تمام ابعاد و سطوح؛ دوم) ارائه مزیت‌ها و جذابیت‌های اسلام به ملت‌های مخاطب در ابعاد اعتقادی - فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی، زیست‌محیطی، دفاعی، علمی و فناوری؛ سوم) حمایت از مظلومان و مستضعفان؛ چهارم) تأمین امنیت برای همه انسان‌ها، حتی غیرمسلمانان، کافران، فاسقان و مخالفان (غیرمحراب) و تعلق داشتن امنیت به همه.

سه - قابلیت تغییر کارکردها در محیط امنیتی: یعنی بازیگر با بروز تغییرات شدید در محیط، متناسب با شرایط جدید، تغییر وضعیت دهد و از فاز امنیتی وارد فاز غیر امنیتی (فاز قدرت) شود؛ همچنین برخورداری از قابلیت برگشت‌پذیری به وضعیت اول لازمه ماندگاری در محیط امنیتی است. قابلیت تغییر وضعیت از قبض محوری به بسط محوری و برعکس، نشان دهنده توان تغییر کارکرد بازیگر در محیط امنیتی است. قدرت مانور و تغییر فاز بازیگر

در لایه های اقتصادی، فرهنگی، فناوری، دانش، لایه دفاعی و نظامی، نشانگر قابلیت تغییر کارکرد بازیگر در محیط امنیتی است.

ث) اسوه‌پروری: گزاره اسوه‌پروری و خودشبیه‌سازی هدف در محیط امنیتی، نشان‌دهنده قابلیت بازتولید و توانایی تکثیر الگوهای موردنظر بازیگر در محیط امنیتی است. تکوین حزب الله در لبنان، انصارالله در یمن و شیوه‌های مدیریت بحران در سوریه و عراق با الهام‌گیری از جمهوری اسلامی ایران در مدیریت و کنترل بحران‌ها، نمونه‌هایی از موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی است.

ج) طراحی و تعقیب روندها در محیط امنیتی براساس اصول، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی: طراحی و تعقیب روندها در محیط امنیتی براساس اصول، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، از مؤلفه‌های شناخت محیط امنیتی است. انسانی بودن فلسفه حضور در محیط امنیتی، یکی از ویژگی‌ها و وجوه تمایز جمهوری اسلامی ایران با دیگر نظام‌هاست. فرایندسازی، یکی از مؤلفه‌های دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی است. در این الگو، فرایندسازی و ایجاد جریان‌سازی سالم و سازنده انقلابی، ظلم‌ستیز و رهایی‌بخش، روش غالب شمرده می‌شود. در دست داشتن ابتکار عمل و اعمال مدیریت و کنترل بر فرایند محیطی، جزو این دکترین است. پایه‌ها و اساس فرایندسازی، آگاهی‌بخشی، بیدارسازی، بصیرت‌دهی، افشاگری اهداف پنهان و سیاست‌های قدرت‌های استکباری است. همچنین در زمینه فرایندسازی، روش‌های منحصر به فرد و بدیعی مورد توجه است که نظایر آن را در هیچ‌یک از مکاتب امنیتی و نظام‌های سیاسی نمی‌توان یافت. این روش‌ها شامل دعوت و تبیین منطقی، بیان صحیح حقایق، تبیین روان و آسان تعالیم اسلام به مخاطبین، باورسازی عمومی از طریق ایجاد گفتمان مسلط و مدیریت ادراک و افکار عمومی در جهت فهم درست حقایق، بسیج افکار، مخاطب قرار دادن دل‌ها و روبه‌رو شدن با افکار، روشنگری، آگاه‌سازی و بصیرت‌افزایی می‌باشند.

چ) پیوسته‌سازی منافع امنیت ملی، عزت و اقتدار و منافع محیط هدف: ایجاد تلازم و پیوند بین منافع امنیت ملی بازیگر و منافع محیط هدف، که مستلزم برخورداری از ماهیت و فلسفه انسانی حضور در محیط امنیتی است.

۵-۶. امکان تعقیب و تحقق منافع امنیت ملی (کنترل پیامدها و تصحیح)

این بُعد بر «پیامد» حضور بازیگر در محیط امنیتی هدف تمرکز دارد که عبارت است از نتایج و دستاوردهای حاصل از برنامه‌ریزی و اقدام.

الف) الزامات حاکم بر محیط امنیتی: الزامات ایجابی و سلبی محیط امنیتی، شامل موارد زیر می‌باشند: ۱. اجماع و اتفاق نخبگان بر سر اصول و مبانی ۲. تفکیک اصول از فروع ۳. وضعیت‌شناسی و برآورد راهبردی ۴. اعلام صریح اهداف کلان نظام ۵. تعیین اولویت‌ها ۶. شناخت عناصر و ارزش‌های محیطی ۷. رصد کردن و پایش محیط امنیتی ۸. توجه به اهداف مرجع (زیرساخت‌ها و دارایی‌های کلیدی) ۹. تمرکز بر عمق راهبردی نظام ۱۰. تفکیک دولت‌ها از ملت‌ها ۱۱. حضور پرتحرک، فعال و پرنشاط در محیط امنیتی ۱۲. برخورداری از دیسپلین قوی ۱۳. نفی استراتژی انزوای طلبی ۱۴. نفی ظلم و مقابله با ظالم ۱۵. استکبارستیزی و نفی سلطه‌گری ۱۶. نفی نظم ناعادلانه و یکجانبه‌گرایی؛ ۱۷. پرهیز از دشمن‌تراشی و تأکید بر دفاع فعال؛ ۱۸. پرهیز از اثبات خود با نفی دیگران.

ب) پیشبرد منافع امنیت ملی: پیشبرد منافع امنیت ملی متناسب با سرعت و پیچیدگی تحولات محیطی و سناریوهای رقیب در سطوح مختلف محیطی، به برآیند و خروجی الگو اشاره دارد. دستیابی به مقاصد و اهداف در محیط امنیتی، به معنای رضایت ناشی از موفقیت نسبی بازیگر به دلیل توفیق در حضور، نفوذ و ماندگاری در محیط امنیتی هدف است که در ادبیات محیط‌شناسی امنیتی، از آن با عنوان فراهم شدن امکان تعقیب و تحقق «منافع امنیتی» نام برده می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

شناخت و مدیریت محیط امنیتی، مسئله‌ای پیچیده و حساس است؛ زیرا براساس داده‌های حاصل از محیط‌شناسی است که راهبردها تدوین و طراحی می‌شوند. به این ترتیب، برای شناخت و مدیریت محیط امنیتی، نیاز به الگوست؛ و به طور معمول در این مورد، از میان سه گزینه قابل انتخاب، یعنی کپی برداری از الگوهای دیگر کشورها، بومی‌سازی الگوهای دیگر کشورها یا طراحی الگوی بومی، انتخاب یک گزینه امکان‌پذیر است. در این پژوهش،

با تکیه بر داده‌های تحقیق، کپی‌برداری یا بومی‌سازی الگوهای محیط‌شناسی دیگر کشورها، انتخاب‌های راهگشا و مطلوبی تشخیص داده نشد و باور بر این است که هر کشوری باید براساس اصول، مبانی، ویژگی‌ها و مقتضیات خود به طراحی الگوی محیط‌شناسی و مدیریت راهبردی اقدام کند. برای پاسخ به پرسش این پژوهش مبنی بر چیستی الگوی مناسب در حوزه شناخت و مدیریت محیط امنیتی و رسیدن به ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات یک الگوی بومی، با استفاده از چهارچوب و مبانی نظری و بهره‌گیری از روش نظریه‌مبنایی، به تفحص در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای «مدظله العالی» پرداختیم. دستاورد این کوشش فکری، تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات الگوی شناخت و مدیریت محیط امنیتی، و تعیین ترتیب و ترتب هریک از آنها در یک سامانه برای رسیدن به الگوی بومی شناخت و مدیریت محیط امنیتی براساس گفتمان ولایت فقیه است. در فرایند این پژوهش، چند نکته مهم روشن شد: نخست اینکه تقلید از الگوهای دیگران راهگشا نیست؛ دوم اینکه طراحی الگوی بومی به عنوان یک نیاز و ضرورت راهبردی در سطح ملی، با مراجعه به منابع غنی اسلامی امکان‌پذیر و دست‌یافتنی است.

منابع

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. مجموعه بیانات و دیدارهای مقام معظم رهبری، سایت رهبری. (leader.ir)
- حسینی تاش، سیدعلی (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های محیطی در سیاست‌گذاری امنیت ملی (گفت‌وگوی علمی)». ماهنامه نگرش راهبردی، س ۹، ش ۹۹، اسفند، ص ۱۰.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی، تهران، انتشارات داعا و سمت.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۹). روش‌های پژوهش آمیخته (با تأکید بر بومی‌سازی). تهران، انتشارات یادواره کتاب.
- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۸۸). الگوی طرح‌ریزی راهبردی (راهبردهای دفاعی - امنیتی). تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱.
- دویچ، کارل (۱۳۷۵). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷). نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- شمس دولت‌آبادی، سیدمحمودرضا (۱۳۸۹). راهبردها و علایق ژئوپلیتیک، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۷). تقریرات درس روش‌شناسی محیط امنیتی، دانشگاه عالی دفاع ملی (دانشکده امنیت).
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- _____ (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش). تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱). ژئوپلیتیک، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). «تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست‌های دفاعی دولت‌ها»، مجله سیاست دفاعی، ش ۳۴، بهار، ص ۲۶.

لکزایی، نجف (۱۳۸۹). «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی». فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۳، پاییز، شماره مسلسل ۴۹، پاییز، ص ۲۴.

نیما شجاعی (استاد دانشگاه) (۱۳۸۶). «محیط در حوزه مدیریت راهبردی، گفت‌وگوی علمی»، ماهنامه نگرش راهبردی، س ۸، شماره ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان، ص ۲۸.

هالستی، کی. جی (۱۳۸۸). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم‌ی و مسعود طارم سری، چاپ ششم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ماندل، رابرت (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ سوم.

وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق (۱۳۸۶). مبانی جامعه‌شناسی، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات بهینه.

A Secure Europe in a Better World: European Security Strategy, Approved by the General Secretariat of the Council of the European Union.

A Security Strategy for Germany, Resolution of the CDU/ CSU Parliamentary Group from May 6, 2008, Presented at the CDU/ CSU Security Conference Berlin, (Berlin: May 7 2008).

A Strong Britain in an Age of Uncertainty: The National Security Strategy, Presented to Parliament by the Prime Minister by Command of Her Majesty (London: October 2010).

Russia's, National Security Strategy to 2020. Approved by Decree of the President of The Russian Federation, (mosco: 12 May 2009, No.537).

Sprout, Harold and marquett (1965), The Ecological Perspective on Human Affairs; With Special Reference to International Politics Princeton: Princeton University Press'

Tang, Shiping (2004), A systemic Theory of the security Environment, The Journal of Strategic Studies, Vol.27, No.1, pp.1 – 34